



کماندار سپاه

آشنایی با زندگی
سرلشکر شهید حسین سلامی

اصغر فکور

فرمانده
من

۱۸

نوجوان

شماره ۱۸ بهمن ۱۴۰۴

سلام دوست خوبم!
این بار هم می‌خواهم یکی
دیگر از فرزندان دلیر ایران عزیزمان را
معرفی کنم؛ فرزندی که زادهٔ خاک پاک این
مرزوبوم است و تا آخرین لحظهٔ زندگی‌اش کماندار
سرزمین ما بود!

دیروز، وقتی داشتم زندگی بزرگان علم، هنر و
ادبیات و آن‌هایی را که هر کدام به طریقی در تاریخ
پرشکوه کشورمان از خود نامی به یادگار گذاشته‌اند
مطالعه می‌کردم، به بخشی به نام فرماندهان
تأثیرگذار در تاریخ ایران رسیدم.

عجیب بود!

تعداد مردان و زنان تأثیرگذار، در گذر بیش از چهار دهه، از
شروع انقلاب اسلامی ایران تا امروز، بیش از همهٔ دوره‌های پر
افتخار دیگر، در پیشانی کشور عزیزمان نقش بسته بود. در بین
این بزرگان، نگاهم به اسم حسین سلامی افتاد؛ مردی که در
طول عمر تا شهادتش، یک نفس با دشمنان این مرز پرگهر
در پیکار بود!

به نظرم آمد چقدر خوب است همه بدانیم چه کسانی برای سربلندی کشورمان از جان و هستی‌شان گذشتند؟ چه کسانی برای جان‌فشانی‌شان، بی‌اجر و مزد دنیوی، آرش کمانداری شدند و نفس آخر را در چله کمان غیرت قرار دادند تا مرزهای شرف و حیثیت ایرانی را تعیین و حفظ کنند!

دوست خوبم!

می‌دانی بعد از مطالعه زندگی‌نامه بزرگان کشور عزیزمان، به چه نتیجه‌ای رسیدیم؟ بله! فهمیدیم همه نوجوان‌ها و جوانان کشور ما ظرفیت‌های زیادی برای به‌دست‌آوردن جایگاهی والا در ایران عزیزمان دارند!

تلاش، پشتکار و مهم‌تر از همه ایمان و توکل به خداوند، هموارکننده مسیری است که آرزوی آن را دارید.

حالا بخش‌هایی از زندگی یک سردار شهید را با هم مرور کنیم؛ سرداری که در یکی از روستاهای دورافتاده کشور عزیزمان به دنیا آمده بود، اما توانست بر قله‌های رفیع خدمت و شجاعت بدرخشد؛

سرلشکر حسین سلامی!

حسین در سال ۱۳۳۹ در روستای وانشان از توابع شهرستان گلپایگان چشم به جهان گشود. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در زادگاهش سپری کرد و در سال ۱۳۵۷، با موفقیت در آزمون سراسری در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت تهران پذیرفته شد.

ورود او به دانشگاه، هم‌زمان با خروش انقلابی ملت ایران علیه رژیم پهلوی بود. فضای انقلابی حاکم بر دانشگاه‌ها بستر ورود حسین به فعالیت‌های دانشجویی و انقلابی شد؛ حضوری که سرآغاز راهی پرفراز و نشیب در خدمت به انقلاب اسلامی بود. پس از پیروزی انقلاب، مدتی در کمیته‌های مردمی مشغول فعالیت شد، اما با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور ۱۳۵۹، او نیز در آبان همان سال راهی میدان دفاع از میهن شد و به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. حسین در ابتدا به منطقه کردستان اعزام شد. سپس به جبهه‌های جنوب غرب کشور رفت؛ جایی که نخستین تجربه‌های نظامی‌اش را در ۲۰ سالگی آغاز کرد.

او مسیر نظامی خود را از رده‌های پایین آغاز کرد. به‌مرور در یگان‌های رزمی لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و قرارگاه دریایی نوح، مسئولیت‌های مهم‌تری بر عهده گرفت. رشادت و توانمندی‌هایش موجب شد به‌عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار در دوران دفاع مقدس شناخته شود.

پس از پایان جنگ، به‌منظور ارتقای علمی و حرفه‌ای، وارد دانشگاه افسری شد و در سال ۱۳۷۱، در سن ۳۲ سالگی، به فرماندهی دوره عالی جنگ منصوب شد. تا سال ۱۳۷۶ در این سمت فعالیت کرد و در همین سال‌ها دوره دانشکده فرماندهی و ستاد را با موفقیت گذراند. همچنین، با تلاش شخصی، تحصیلات نیمه‌تمامش در دانشگاه علم و صنعت را نیز به پایان رساند و مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی را اخذ کرد. سردار سلامی از پایه‌گذاران دوره عالی فرماندهی جنگ (دافوس) در سپاه بود و از زمان تأسیس این مرکز در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ فرماندهی آن را بر عهده داشت. در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، به‌عنوان معاون عملیات ستاد مشترک سپاه ایفای نقش کرد. سپس در همین سال به فرماندهی نیروی هوافضای سپاه پاسداران منصوب شد؛ مسئولیتی مهم که در آن دوران با توسعه چشم‌گیر توانمندی‌های موشکی و فضایی کشور عزیزمان همراه بود. مدتی بعد به عضویت هیئت‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی درآمد و در سال ۱۳۸۸ با حکم فرمانده معظم کل قوا، به‌عنوان جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. مدتی هم سرپرستی معاونت هماهنگ‌کننده سپاه را بر عهده داشت.

سردار سلامی در اول اردیبهشت ۱۳۹۸، با ارتقای درجه به سرلشکری، به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد؛ مسئولیتی خطیر که نشان از اعتماد کامل رهبری نظام به توانمندی‌ها، تعهد و تجربه ارزشمند وی در عرصه‌های راهبردی و عملیاتی داشت. این سردار رشید، بعد از سال‌ها خدمت و سربازی برای کشور عزیزمان، عاقبت در ائتلاف شوم دشمنان این مرزوبوم که در رأس آن آمریکا قرار دارد، در توطئه‌های ناجوانمردانه، در سحرگاه بیست‌وسوم خرداد ۱۴۰۴ و در حمله هوایی رژیم جعلی صهیونیستی، به فیض عظیم شهادت نائل شد.

دوست خوبم!

یادمان باشد، سرزمین ما مثل آفتاب درخشانش، مردان و زنان بزرگ و درخشنده‌ای دارد؛ مردانی و زنانی که هرگز در پس ابرهای سیاه فرو نمی‌روند و خورشیدی هستند که هر روز متولد می‌شوند تا سرزمینمان را از سرمای شیطان‌ها حفظ کنند. بکوشید تا خورشیدهای آینده ایران عزیزمان باشید!